



خلاصه زندگینامه شهید سپهبد علی صیادشیرازی

معارف جنگ

«معارف جنگ» مجموعه‌ای از یافته‌ها، ذخایر و دست آوردهای جبهه‌های نبرد حق علیه باطل است که خداوند متعال به پاس فداکاری‌ها، ایثارگری‌ها و برکت خون شهدای والامقام، نصیب رزمندگان اسلام نموده و از سینه‌های جوشان آن‌ها به سینه‌های پاک و تشنه نسل جوان انقلاب اسلامی منتقل می‌گردد. «هیئت معارف جنگ» از پاییز سال ۱۳۷۳ با همت والای امیر سرافراز ارتش اسلام «شهید سپهبد علی صیادشیرازی» شکل گرفت و در سال ۱۳۷۴ با تصویب کریمانه و حمایت‌های مادی و معنوی حضرت امام خامنه‌ای (مدظله)، مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا، به صورت رسمی این رسالت مهم را با روحیه متعالی بسیجی برعهده گرفته و مفتخر است که با الهام از کلام نورانی خداوند متعال مبنی بر «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَهُمْ صُبُلًا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»، با صداقت و تلاش دسته‌جمعی در این وادی مقدس گام نهاده و این رسالت افتخارآمیز را که با گرایش «پژوهشی - فرهنگی - عملیاتی و آموزشی» شکل گرفته است ادامه دهد و در این راه امید به لطف و یاری خداوند متعال دارد.

➤ شیوه کار هیئت معارف جنگ در گردآوری تجارب جبهه‌های نبرد از سال ۷۳ تا سال ۷۸ بدین ترتیب بوده است که براساس زمان و مکان هر عملیات، جمعی از رزمندگان اسلام که در آن عملیات نقش مهمی را برعهده داشته‌اند به منطقه عملیات عزیمت نموده و با یادآوری خاطرات خود در صحنه نبرد و برداشت‌های تحریری، صوتی و تصویری، مجموعه‌ای از حقایق و واقعیت‌های تلخ و شیرین را گردآوری نموده است. هیئت معارف جنگ از سال ۷۸ تا پایان شهریورماه ۹۶ بیش از ۱۴۰ عنوان کتاب مستند درباره وقایع هشت سال دفاع مقدس منتشر نموده است.

➤ آموزش معارف جنگ نیز از سال ۱۳۷۴ به صورت نظری و میدانی برای هر دوره از دانشجویان سال ۳ دانشگاه افسری امام علی (ع) نیروی زمینی و از سال ۱۳۸۲ برای کلیه دانشگاه‌های افسری زمینی، هوایی، دریایی و فارابی ارتش ج.ا.ا به اجرا در آمده و تا پایان شهریورماه ۱۳۹۶ بیش از ۲۷ هزار نفر از فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های مزبور را در دو مرحله نظری و میدانی مورد آموزش داده است. از سال ۱۳۹۴، آموزش معارف جنگ برای دانشجویان سال ۳ دانشگاه قرارگاه پدافند هوایی خاتم‌الانبیاء (ص) نیز به اجرا درآمد.

➤ هیئت معارف جنگ همچنین از سال ۱۳۸۷ آموزش کارکنان وظیفه در مقاطع تحصیلی فوق‌دیپلم، لیسانس، فوق لیسانس و دکترا در مراکز آموزش وظیفه را پی‌ریزی نمود و این عزیزان در زمان آموزش مقدماتی و قبل از عزیمت به یگان‌های سازمانی خود به مدت ۱۶ ساعت آموزش معارف جنگ را برابر برنامه آموزشی طی نموده که تا پایان شهریورماه ۱۳۹۶، بیش از ۳۵۰ هزار نفر از کارکنان وظیفه که فارغ‌التحصیل دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور می‌باشند، آموزش نظری معارف جنگ را فرا گرفته‌اند.

➤ از سال ۱۳۹۰ افسران دوره عالی رسته‌ای، در هر دوره به مدت ۸ ساعت و تا پایان شهریورماه ۹۶ تعداد ۵۶۳۴ نفر آموزش معارف جنگ را طی نموده‌اند.

➤ از بهمن سال ۱۳۹۳ تا پایان شهریورماه ۱۳۹۶، بیش از ۳۰۰ هزار نفر سربازان دیپلم و زیر دیپلم نیز در هر دوره به مدت ۸ ساعت تحت آموزش معارف جنگ قرار گرفته‌اند.

هیئت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیادشیرازی»

فهرست مطالب

۱	مقدمه
۲	از کودکی تا دانشکده افسری
۳	دوره تخصصی
۵	همگام با حرکت انقلاب اسلامی
۶	ورود به کردستان
۷	آزادسازی کردستان
۸	عزل از فرماندهی غرب کشور
۸	کمک به تشکیلات سپاه پاسداران
۹	تشکیل قرارگاه عملیاتی شمال غرب کشور
۱۱	فرماندهی نیروی زمینی ارتش
۱۳	نماینده‌گی رهبر کبیر انقلاب در شورای عالی دفاع
۱۴	نقش سرنوشت‌ساز در عملیات مرصاد
۱۵	بعد از جنگ تحمیلی
۱۶	بنیان‌گذاری هیئت معارف جنگ
۱۸	شهادت امیرالشهدای نیروهای مسلح
	پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی در شهادت سپهبد علی
۲۰	صیادشیرازی
۲۲	فرازی از وصیت‌نامه شهید سپهبد علی صیادشیرازی

ادامه فعالیت «هیئت معارف جنگ» پس از شهادت «شهید

سپهبد علی صیادشیرازی» و معرفی سرپرست جدید «هیئت» ۲۴

معرفی سایت هیئت معارف جنگ ۲۵

مقدمه

با سلام به قطب عالم امکان حضرت مهدی صاحب الزمان (عج) و آرزوی تعجیل در فرجش و با اهداء تحیت به روح نورانی سید شهیدان و سرور آزادگان جهان، حضرت اباعبدالله الحسین (ع) و با درود و سلام به ارواح طیبه شهدای گرانقدر انقلاب اسلامی و امام شهیدان، حضرت امام خمینی (ره) دل را به زیارت حریم معرفت شهید سرافراز ارتش اسلام، شهید سپهبد علی صیادشیرازی روان می‌سازیم. با آنکه سال‌ها از عروج نورانیش گذشته، هنوز دل از دام چهره پرجاذبه آشنای جبهه‌ها و هم‌پیمان سجده‌ها و عبادت‌های عارفانه، آزاد نگشته است. او خرامان دل‌ها را پرواز داده، اسیر و سرگردان خود کرده است. تبسم مشفقانه لب‌ها، چروک مقتدرانه پیشانی و سنگینی فروتنانه شانه‌هایش، تصمیمات عالمانه و قاطعانه‌اش و شجاعت‌هایش در دل مهلکه‌ها و راز و نیازهای شهادت طلبانه‌اش را کی از یاد می‌توان برد؟ او با طنین سخنان سترگش، صلابت عزم آهنینش و با شهادت سرخ و مظلومانه‌اش نوای حضور و شهود را در گوش ما می‌نوازد و هشدار می‌دهد که ما شاهدان همیشه تاریخ خواهیم ماند. اگرچه او امروز ما را بیگانه می‌انگارد و خاموشی می‌گزیند، اما مصرانه و بی‌صبرانه از او می‌خواهیم یک بار

دیگر لب به سخن بگشاید و برای نسلی که خود را شیفته و دلباخته آن می‌دانسته، معرفی نماید.



از کودکی تا دانشکده افسری

«نامم علی و نام

خانوادگیم صیادشیرازی

است. اجداد من از

عشیره‌ای به نام اخت

افشار می‌باشند، که از

اصطهبانات و نیریز در

فارس تا سیرجان، شهید صیاد شیرازی در سن نوجوانی

بافت و جیرفت در کرمان گسترش یافته‌اند. پدر بزرگم -

صیاد - همراه فرزندانش و مال و احشامش ده‌ها سال

پیش به سوی خراسان و شهرستان مشهد به راه افتادند

و به شهرستان درگز کوچ کردند. پدر من - زیاد -

کوچک‌ترین فرزند ایشان بود که در آن موقع ۱۲ سال

داشت. پس از ولادت اینجانب در ۱۴ خردادماه ۱۳۲۳

در شهرستان درگز و حدود یک سال اقامت در این شهر،

بر حسب شغلی که پدرم داشت - در جهدار ژاندارمری که

البته در اواسط خدمت بدلیل مبارزه با رفتار ظالمانه

ایادی شاه از ژاندارمری اخراج شد - حدود دو سال در

مشهد اقامت کردم و حدود ۱۵ سال در مازندران، یعنی

خلاصه زندگینامه شهید سپهبد علی صیادشیرازی ۳

در شهرهای گرگان، آمل و گنبدکاووس به سر برده‌ام. سال ششم ریاضی، یعنی سال آخر دبیرستان را در تهران گذراندم و از دبیرستان امیرکبیر فارغ‌التحصیل شدم. در سال ۱۳۴۳ وارد دانشکده افسری شدم.»

علی در سال ۱۳۴۶ با درجه ستوان دومی در رسته توپخانه از آن دانشکده فارغ‌التحصیل شد و در طول سال‌های تحصیل به جدیت در درس و پایبندی به مذهب شهرت داشت. او دوره‌های چتربازی و رنجر را نیز با رتبه یکم بین هم‌دوره‌های خود گذراند.

دوره تخصصی

«پس از طی یک سال دوره مقدماتی رسته توپخانه، به لشکر ۲ تبریز رفتم. در سال ۱۳۴۸ مأموریت استقرار در مرزهای غرب کشور - قصرشیرین - به لشکر ۲ تبریز داده شد. بنده به عنوان افسر دیده‌بان توپخانه و معاون آتشبار، حدود یک سال در این مأموریت به سر بردم. لشکر تبریز در سال ۱۳۴۹ منحل شد و گردان ما که گردان ۳۰۲ توپخانه بود به توپخانه لشکری - لشکر ۸۱ زرهی کرمانشاه - انتقال یافت و من فرمانده آتشبار شدم. بعد از یک بار جابجایی و انتصاب در فرماندهی آتشبار در گردان ۳۱۶ توپخانه، برای گذراندن دوره آموزش زبان انگلیسی به تهران رفتم. سپس با پذیرفته

شدن در کنکور اعزام به خارج در سال ۱۳۵۱ برای طی
یک دوره تخصصی توپخانه تحت عنوان دوره هواسنجی
بالستیک توپخانه به آمریکا رفتیم.»

وی در طول این دوره همچون یک مبلغ مذهبی در
جلسات بحث و مناظره آمریکایی ها شرکت و آنها را به اسلام
دعوت می نمود. او در بین تمام دانشجویان خارجی و
آمریکایی رتبه یکم دوره را کسب کرد.



علی صیادشیرازی - ابوالقاسم درویش
محوطه دانشکده افسری، سال ۱۳۴۶

همگام با حرکت انقلاب اسلامی

او با ورود به اصفهان و قرار گرفتن در متن مردم متعهد و انقلابی این دیار شهیدپرور، در طی حدود پنج سال قبل از به ثمر رسیدن انقلاب، با فعالیت‌های مذهبی و انقلابی مخفی، خود را برای ورود به فضای نورانی انقلاب اسلامی آماده کرد و در پاییز سال ۱۳۵۷، همگام با اوج نهضت انقلاب اسلامی فعالیت انقلابی خود را در پادگان‌های اصفهان و سایر یگان‌ها همراه با دوستان انقلابی خود در ارتش گسترش داد و سرانجام در روز ۱۹ بهمن ۱۳۵۷ به دلیل فعالیت‌های انقلابی بازداشت انفرادی شد. که در بامداد ۲۲ بهمن با پیروزی عظیم انقلاب اسلامی از بازداشت خارج گردید و با درجه سروانی به دنیای نورانی خدمت در ارتش جمهوری اسلامی ایران وارد شد و در سازمان دهی نیروهای مؤمن و انقلابی ارتش نقش مؤثری ایفا نمود.



شهید سپهبد صیاد شیرازی در جمع بسیجیان که همواره به آنان عشق می‌ورزیدند

ورود به کردستان

«با آغاز توطئه سنگین ضدانقلاب در کردستان، بعد از فاجعه شهادت ۵۲ نفر از پاسداران انقلاب اسلامی اصفهان در جاده سردشت - بانه در استان کردستان، همراه با هم‌رزم عزیزم سردار سرلشکر پاسدار سید یحیی صفوی و در معیت سردار سلحشور اسلام شهید دکتر مصطفی چمران، وارد کردستان و شهر سردشت شدم. با بررسی‌ها و تجربه‌هایی که طی ۱۷ روز در شهر سردشت به عمل آمد، در فروردین سال ۱۳۵۹ موفق به ارائه طرحی شدم که با راهنمایی شهید فلاحی مورد تصویب رئیس جمهور وقت قرار گرفت و در اجرای آن تقریباً به صورت رسمی در درجه سرگردی مأموریت مقابله با ضدانقلاب را در شهر سنندج دریافت کردم.»



شهید سپهبد صیاد شیرازی در کنار پیش‌مرگان کرد مسلمان

آزادسازی کردستان

«به همت رزمندگان اسلام اعم از ایثارگران ارتش (لشکر ۲۸ پیاده، تیپ ۵۵ هواپرد، تیپ ۳ لشکر ۱۶ زرهی) برادران سپاه، نیروهای مردمی و پیشمرگان کرد مسلمان، شهر سنندج از ضدانقلاب بازپس گرفته شد، محاصره پادگان سنندج شکست و با تشکیل قرارگاه مشترک ارتش و سپاه و فراخوان افسران متخصص، مجرب و داوطلب و فعال کردن این قرارگاه در کمتر از سه ماه شهرهای دیگر شامل دیواندره، مریوان، سقز و بانه نیز آزاد شد. بنده به عنوان هماهنگ کننده رزمندگان ارتش جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و فرماندهی عملیات پاکسازی انجام وظیفه می کردم. به منظور پاکسازی کامل منطقه از وجود ضدانقلاب با ترفیع موقت دو درجه، به درجه سرهنگی ارتقاء یافتم و به فرماندهی عملیات غرب کشور منصوب شدم و با در کنترل قرار گرفتن لشکر ۲۸ کردستان، لشکر ۶۴ ارومیه، لشکر ۸۱ زرهی کرمانشاه، بخشی از لشکر ۱۶ زرهی قزوین، تیپ ۲۳ نیروهای مخصوص و گردان هایی از لشکر ۷۷ و لشکر ۲۱ حمزه، تیپ ۵۵ هواپرد شیراز، یگان هایی از هوانیروز، گردان هایی از گروه ۱۱ توپخانه مراغه و یگان های آمادی در منطقه، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروهای انتظامی به این مأموریت پرداختم.»

عزل از فرماندهی غرب کشور

«به موجب سعایت‌هایی که علیه اینجانب و قرارگاه عملیاتی غرب کشور انجام گرفت، به دستور رئیس جمهور وقت حیطة فرماندهی من به کردستان محدود شد. سپس از مسئولیت خود عزل شدم. در ضمن به درجه قبلی، یعنی سرگردی تنزل یافتم. در همین اوان بود که جنگ تحمیلی نیز آغاز گردید.»^۱

کمک به تشکیلات سپاه پاسداران

بعد از برکناری از مسئولیت و در دوران فترت خدمتی، حدود هفت ماه به صورت افتخاری در ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و در معاونت طرح و عملیات آن ارگان انجام وظیفه می‌کرد و در طول این مدت واحد طرح و عملیات سپاه را به صورت کلاسیک راه‌اندازی کرد. با هماهنگی و همکاری شهید یوسف کلاهدوز - قائم مقام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی - دوره‌ای یک ماهه، از صبح تا غروب برای تعداد ۳۰ تا ۴۰ نفر از برادران سپاه تشکیل گردید و به

۱. شهید بزرگوار پس از اینکه از فرماندهی عملیاتی قرارگاه غرب عزل گردیدند، فقط مسئولیت قرارگاه عملیاتی کردستان را به عهده داشتند. در همین دوران ایشان در مسیر کرمانشاه به سنندج در کمین ضدانقلاب قرار گرفته و مجروح می‌گردند. ایشان در یکی از بیمارستان‌های تهران بستری و در همان حال، اداره قرارگاه را به عهده داشتند، پس از بهبودی نسبی در حالی که پای وی در گچ قرار داشت به منطقه کردستان مراجعت کرده و هدایت منطقه و عملیات‌ها را از نزدیک به عهده می‌گیرند.

کمک چند استاد ارتشی که خود سرپرستی آنها را به عهده گرفته بود، دروس مختلفی را در مورد عملیات به صورت نظری تدریس کردند. سپس او در راستای تشکیل این کلاس، به منطقه جنوب حرکت کرد و با آشنا کردن برادران سپاه با عملیات کلاسیک، وحدت اصولی و منطقی را بین ارتش و سپاه در عملیات ثامن الائمه (ع) زمینه‌سازی کرد. در این مدت نیز بنی‌صدر پا به فرار گذاشت و شهید والامقام آقای رجایی عهده‌دار مقام ریاست جمهوری شد.



شهید سپهبد صیاد شیرازی در قرارگاه مشترک ارتش و سپاه (کربلا)

تشکیل قرارگاه عملیاتی شمال غرب کشور

«بعد از حدود هفت ماه که به صورت افتخاری در

ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در معاونت

طرح و عملیات انجام وظیفه کردم، از سوی رئیس

جمهور جدید، فراخوانده شدم و با اعطای دو درجه به سرهنگی ارتقای درجه یافتم و مأمور شدم تا با تشکیل قرارگاه عملیاتی شمال غرب کشور و در کنترل عملیاتی قرار گرفتن لشکر ۶۴ ارومیه، لشکر ۲۸ کردستان، تیپ ۲۳ نیروهای مخصوص، تیپ ۳۰ گرگان و نیروهای سپاه و ژاندارمری منطقه، به آزادسازی دو شهر اشنویه و بوکان بپردازم که الحمدلله ظرف ۴۴ روز این مأموریت انجام شد.»



شهید سپهبد صیاد شیرازی در کنار استاد عرفان
مرحوم آیت الله بهاء الدینی

عارف والامقام، مرحوم حضرت آیت الله بهاءالدینی در مورد شهید صیادشیرازی این چنین می فرمایند:

«آقای صیاد یک روحانی ست که یک جمعی روحانی را دور خود جمع کرده است؛ آقای صیاد مجتهدی ست که لباس مجاهد پوشیده است، منبرش خاکریز است؛ آقای صیادشیرازی یک پارچه نور است.»

فرماندهی نیروی زمینی ارتش

یک سال پس از شروع جنگ تحمیلی و پس از شهادت فرماندهان شهید فلاحی، فکوری، کلاهدوز، نامجو، جهان آرا و انتصاب سرلشکر ظهیرنژاد به سمت رئیس ستاد مشترک ارتش در ۹ مهرماه ۱۳۶۰، سرهنگ صیادشیرازی با فرمان حضرت امام خمینی (ره) به سمت فرماندهی نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران منصوب و وارد جبهه های غرب و جنوب شد. در این مقطع به باور و تصدیق همگان تحول اساسی در روند جنگ ایجاد و ایشان نقش سازنده ای در آموزش، تجهیز سپاه پاسداران و طراحی مشترک با سپاه پاسداران جهت انجام عملیات های بزرگ سال دوم و نهایتاً وحدت بین نیروهای مسلح نقش بی بدیلی را داشتند. در طول حدود پنج سال انجام وظیفه در این مسئولیت خطیر، عملیات های سرنوشت سازی چون طریق القدس، فتح المبین، بیت المقدس و ده ها نبرد دیگر با

هدایت و فرماندهی او انجام شد که موجب بیرون راندن دشمن از خاک سرزمین اسلامی ایران گردید. آن شهید والامقام در صحنه‌های نبرد با ضدانقلاب و جنگ تحمیلی بارها مجروح شد و با همان حال مجروحیت به مبارزات خود ادامه داد. وی لایق آن شد که رهبر کبیر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی (ره) در پایان مسئولیت وی در سمت فرماندهی نیروی زمینی او را این‌گونه توصیف فرمایند:

«با تقدیر از زحمتهای طاقت‌فرسای سرکار سرهنگ صیادشیرازی که با تعهد کامل به اسلام و جمهوری اسلامی در طول دفاع مقدس، از هیچ‌گونه خدمتی به کشور اسلامی خودداری نکرده و امید است در آینده نیز در هر مقامی باشد موفق به ادامه خدمت‌های ارزنده خود باشد...

روح‌الله الموسوی‌الخمينی

«۱۳۶۵/۰۵/۱۱»



نماینده‌گی رهبر کبیر انقلاب در شورای عالی دفاع

شهید سپهبد علی صیادشیرازی پس از مسئولیت فرماندهی نیروی زمینی ارتش، بدون وقفه، از شهریورماه سال ۱۳۶۵ بنا به امر امام راحل به نمایندگی معظم‌له در شورای عالی دفاع منصوب شد که تا پایان جنگ این مأموریت ادامه یافت. وی به پاس قدردانی از رشادتها و فداکاری‌هایی که در صحنه‌های نبرد داشت، به دریافت دو قطعه نشان فتح درجه یک از دست مبارک مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، نائل گردید.



نقش سرنوشت‌ساز در عملیات مرصاد

در روز دوشنبه سوم مرداد ۱۳۶۷، منافقین در محور قصرشیرین - کرمانشاه در یک ستون منظم و منسجم حمله خود را برای تصرف کرد و اسلام‌آباد و سپس حرکت به سوی کرمانشاه آغاز کردند. شهید سپهبد علی صیادشیرازی که در آن زمان مسئولیت نمایندگی حضرت امام (ره) در شورای عالی دفاع را به عهده داشت، به درخواست تیمسار دریادار علی شمخانی، معاون اطلاعات و عملیات ستاد فرماندهی کل قوا، به کرمانشاه رفت و با یک فروند بالگرد ۲۱۴ که دو فروند بالگرد هجومی کبرا آن را اسکورت می‌کردند، برای شناسایی دشمن روی محور کرمانشاه - قصرشیرین پرواز کرد.

او در خاطرات خود در این مورد می‌گوید:

«به گردنه چهارزبر (تنگه مرصاد) که رسیدیم، دیدم خاکریزی در جاده زده شده بود که یک طرف آن نیروهای مردمی اندکی، دلیرانه مقاومت می‌کردند و در طرف دیگر تانک پشت سر تانک به طول ۳ تا ۴ کیلومتر صف کشیده بود و دختران و پسرانی که به فارسی تکلم می‌کردند، در تانک‌ها مستقر بودند. بلاشک دانستم که منافقین هستند. برابر طرحی که خلبان‌ها را توجیه کردم، آنچنان به جان اینها افتادند که دمار از روزگارشان درآوردند. متعاقب آن، بالگردهای هجومی دیگری را که خبر کرده بودیم از راه سر رسیدند و با یگان‌های زمینی

کوچک و بزرگی که از ارتش، سپاه و مردم جمع و جور
کردیم، در قالب یک طرح هماهنگ شده به منافقین
حمله برده و فوج فوج آنها را به درک واصل کردند.»



بعد از جنگ تحمیلی

امیر ارتش اسلام پس از پایان جنگ تحمیلی، در تاریخ
۱۳۶۸/۰۷/۰۸ بنا به فرمان رهبر معظم انقلاب اسلامی و
فرماندهی کل قوا، حضرت آیت الله خامنه‌ای، به معاونت
بازرسی ستاد کل نیروهای مسلح منصوب گردید و از تاریخ
۱۳۷۲/۰۶/۱۰ به فرمان معظم له، با حفظ شغل معاونت
بازرسی، در سمت جانشینی رئیس ستاد کل نیروهای مسلح
انجام وظیفه می‌نمود.

وی در روز ششم فروردین ماه ۱۳۷۸ مصادف با ۱۸ ذی الحجه
۱۴۲۹ و مقارن با عید غدیر خم، روز اعلام خلافت و امامت

محبوب کل و هادی سُبُل حضرت امیرالمؤمنین (ع)، از دست مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا، حضرت آیت الله خامنه‌ای، به درجه سرلشکری ارتقاء درجه یافت.

بنیان‌گذاری هیئت معارف جنگ

هنگامی که جنگ با عنایات خداوند تبارک و تعالی و توجهات خاص حضرت ولی عصر (عج) با موفقیت رزمندگان مؤمن اسلام به پایان رسید، وجود پرخروش فرمانده مبارز و فاتح عرصه میدان جهاد و شهادت کار خود را پایان یافته تلقی نکرد و درصدد برآمد تا روح حماسه و ایثار طلایه‌داران پهنه پیکار را به نسل‌های بعد منتقل نماید. انگیزه فوق، امیر شهید را بر آن داشت تا به عنوان مجاهد فی سبیل الله از همه عناوین خود صرف‌نظر کرده، رأساً طرح انتقال این آموزش را به نسل جوان انقلاب اسلامی تحت عنوان «معارف جنگ» تهیه و تا آخرین لحظات عمر پربرکت خویش آن را دنبال کند.

امیر ارتش اسلام «شهید سپهبد علی صیادشیرازی» در پاییز سال ۱۳۷۳، آموزش معارف جنگ را در دانشگاه افسری امام علی (ع) آغاز کرد و سپس در پاییز سال ۱۳۷۴ با تصویب مقام عظمای ولایت، «هیئت معارف جنگ» را بنیان‌گذاری نمود و آن را به عنوان یکی از باقیات الصالحات از خود برجای گذاشت، به طوری که مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای در تأیید این حرکت که با روحیه بسیجی و کار دسته

خلاصه زندگینامه شهید سپهبد علی صیادشیرازی ۱۷

جمعی دنبال می‌شود، در پاییز سال ۱۳۷۶ در حاشیه یکی از گزارش‌های هیئت، مرقوم فرمودند:

«تیمسار صیادشیرازی! تبیین معارف جنگ به

وسیله شما برای رزمندگان ارتش جمهوری اسلامی

ایران، کاری است مفید و به سود ارتش.»

او خاضعانه و عاشقانه این نهال نوپا را آبیاری کرد و از آن

درختی تنومند به وجود آورد که ریشه‌هایش تا اعماق زمین

رسوخ کرد، به طوری که طوفان‌های سهمگین هم نمی‌توانند

آن را از جا برکنند.



اهتمام و علاقه شدید شهید به آموزش میدانی معارف جنگ

شهادت امیرالشهدای نیروهای مسلح

سرانجام شهادت بر این سرباز عارف آغوش گشود و امیر قافله نور را در آغوش کشید. این کبوتر حریم ملکوت و عندلیب گلشن لاهوت که از جوار محبوب ازلی در دامگه محنت‌زای ناسوت گرفتار آمده بود، پس از جانفشانی‌هایی که در صحنه‌های نبرد حق علیه باطل از خود ابراز نمود، در ۲۱ فروردین‌ماه ۱۳۷۸ توسط منافقین کوردل به شهادت رسید و به مرجع و منزل نخستین خود، جوار و قرب رفیق اعلی بازگشت و در جایگاه صدق، نزد ملیک مقتدر جای گرفت. پیکر پاک و ملکوتی آن فرشته‌خوی بر روی دست‌های لرزان امت شهیدپرور ایران و با حضور اولیاء، صلحا، اوصیاء ملائک هفت آسمان و رهروان راه منتهی به خدایش تشییع و در بهشت زهرا به خاک سپرده شد. آری! ستاره حماسی‌ترین مرد این روزگار چراغ شهادت را برافروخت و خاضعانه به صبح پیوست تا سرانجام نامش آنجا رسید که نشانی نتوان دید. خداوند با مولایش حضرت اباعبدالله‌الحسین(ع) محشور گرداند و جایگاهی در منزلگاه شهدا و منزلتی هم‌شان سُعدا عطایش فرماید. از روح نورانی او می‌خواهیم اگر او را به بارگاه قدوسیان راهی هست - که هست - ما را نیز از سر ترحم مقرون دعای خویش گرداند. این شهید عزیز هیئت معارف جنگ را به

خلاصه زندگینامه شهید سپهبد علی صیادشیرازی ۱۹

عنوان یکی از باقیات و صالحات خود بر جای گذاشت که خدمت در آن افتخار ماست.



پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی در شهادت سپهبد علی صیادشیرازی



مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ
فَمِنْهُمْ مَّن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَّن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا
تَبْدِيلًا

«امیر سرافراز ارتش اسلام و سرباز صادق و فداکار
دین و قرآن، نظامی مؤمن و پارسا و پرهیزکار، سپهبد
علی صیادشیرازی امروز به دست منافقین مجرم و
خونخوار و روسیاه به شهادت رسید. این نه اولین و نه
آخرین باری است که دلی نورانی و سرشار از عشق و
ایمان و وفاداری به آرمان‌های بلند الهی، هدف تیر
خشم و عناد و عصبیت از سوی زمره جنایتکار و فاسدی
که ادامه حیات خود را در خدمتگزاری به دشمنان اسلام
دانسته است، قرار می‌گیرد و دست خائن

خودفروخته‌ای نهال ثمربخش انسان والایی را قطع می‌کند. او مانند دیگر مردان حق، از روزی که قدم در راه انقلاب نهاد، همواره سر و جان خود را برای نثار در راه خدا بر روی دست داشت.

سرزمین‌های داغ خوزستان و گردنه‌های برافراشته کردستان سال‌ها شاهد آمادگی و فداکاری این انسان پاک‌نهاد و مصمم و شجاع بوده، جبهه‌های دفاع مقدس صدها خاطره از رشادت‌ها و از خودگذشتگی او حفظ کرده است. خطر مرگ کوچکتر از آن است که بندگان صالح خدا را از راه او بازگرداند و عشق به منال دنیوی حقیرتر از آن است که در دل نورانی شایستگان جای بیابد و کوردلان منافق بدانند که با این جنایت‌ها روز به روز نفرت ملت ایران از آنان بیشتر خواهد شد.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

سید علی خامنه‌ای»

فرازی از وصیت نامه شهید سپهبد علی صیادشیرازی



بسم الله الرحمن الرحيم، ارحم الراحمين،
رب العالمين و صلى الله على محمد و اله الطاهرين،
انا لله و انا اليه راجعون.

هذا ما وعدنا الله ورسوله وصدق الله ورسوله. اللهم
زدنا ايماناً و ارحمنا. اشهد ان لا اله الا الله وحده لا
شريك له و أن محمداً عبده و رسوله ارسله بالهدى و
دين الحق و ان الصديقة الطاهرة فاطمة الزهراء،
سيدة نساء العالمين و أن علياً أمير المؤمنين و الحسن و
الحسين و علي بن الحسين و محمد بن علي و
جعفر بن محمد و موسى بن جعفر و علي بن موسى و
محمد بن علي و علي بن محمد و الحسن بن علي و
الحجة القائم المنتظر صلوات الله و سلامه عليهم ائمتي و
سادتي و موالى بهم اتولى و من اعدائهم اتبر و أن الموت
و النشور حق و الساعة آتية لا ريب فيها و أن الجنة و النار
حق. اللهم أدخلنا جنتك برحمتك و جنبنا و احفظنا

من عذابک بلطفک و احسانک یا لطیفاً بعبادۃ یا ارحم
الراحمین.

خداوند!! این تو هستی که قلبم را مالا مال از عشق
به راهت، سلامت، نظامت و ولایتت قرار دادی. خدایا!
تو خود می‌دانی که همواره آماده بوده‌ام آنچه را که تو
خود به من دادی، در راه عشقی که به راهت دارم، نثار
کنم. اگر این نبود، آن هم خواست تو بود.

پروردگار! رفتن در دست تو است؛ من نمی‌دانم چه
موقع خواهم رفت، ولی می‌دانم که از تو باید بخواهم مرا
در رکاب امام زمانم قرار دهی و آن قدر با دشمنان
قسم خورده‌ات بجنگم تا به فیض شهادت برسم.

از پدر و مادرم که حق بزرگی بر گردنم دارند،
می‌خواهم که مرا ببخشند؛ من نیز همواره برایشان دعا
کرده‌ام که عاقبت به خیر شوند. از همسر گرامی و فداکار
و فرزندانم می‌خواهم که مرا ببخشند که کمتر توانسته‌ام
به آنها برسم و بیشتر می‌خواهم وقف راهی باشم که
خداوند متعال به امت زمان ما عطا فرموده است.

آنچه از دنیا برایم باقی می‌ماند، حق است که در
اختیار همسرم قرار گیرد. از همه آنهایی که از من بد
دیده‌اند، می‌خواهم که مرا به بزرگی خودشان ببخشند
و بالأخره از مردان مخلص خودم، به ویژه حاج آقا امیر
رنجبر نیکدل، استدعا دارم در غیاب من به امور حساب
و کتاب من برسند و با برادران دیگر چون جناب سرهنگ

حاج آقا آذربون و تیمسار حاج آقا آراسته در این باب،
تشریک مساعی نمایند.

خداوند!! ولی امرت حضرت آیت الله خامنه‌ای را تا
ظهور حضرت مهدی (عج) زنده، پاینده و موفق بدار.
آمین یا رب العالمین.

من الله التوفیق

علی صیادشیرازی - ۱۹ دی ۱۳۷۱

**ادامه فعالیت «هیئت معارف جنگ» پس از شهادت
«شهید سپهبد علی صیادشیرازی» و معرفی سرپرست
جدید «هیئت»**

پیکر پاک و ملکوتی امیر ارتش اسلام در روز بیست و سوم
فروردین ۱۳۷۸ تشییع و در بهشت زهرا به خاک سپرده شد.
اولین کلاس معارف جنگ برای اولین بار بدون حضور جسمی
شهید و با حضور روح بلند او بعد از چهار روز، یعنی سه‌شنبه
۱۳۷۸/۰۱/۲۷ در دانشگاه افسری امام علی (ع) در میان
حزن و اندوه دوست‌داران و رهروان راه منتهی به خدایش
تشکیل گردید و برای تداوم راه مقدسی که شهید بزرگوار
بنیان‌گذار آن بودند، مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا،
امیر سرتیپ ناصر آراسته را در بهمن ماه سال ۱۳۷۸ به
سرپرستی این هیئت منصوب فرمودند و بدین ترتیب دوره‌های

نظری، میدانی، آموزشی و پژوهشی هیئت معارف به همان ترتیب گذشته به لطف و عنایت پروردگار ادامه پیدا کرد و موفق گردید منویات رهبر انقلاب و فرماندهی کل قوا مبنی بر انتقال حماسه‌ها و معارف دفاع مقدس به نسل جوان با همکاری فرماندهان و مسئولین محترم اجا و همکاری مخلصانه تعدادی از هم‌زمان شهید و پیشکسوتان و فرماندهان دوران دفاع مقدس را به مورد اجرا گذارد.

معرفی سایت هیئت معارف جنگ

به منظور ایجاد بستری مناسب جهت انتقال تجارب و معارف دوران دفاع مقدس در فضای مجازی به کارکنان جوان ارتش و سایر جوانان و آحاد کشور و به منظور تقویت و ارتقاء روحیه فداکاری، مسئولیت‌پذیری، جهادی، ایثار و شهادت‌طلبی جوانان رشید، پاک و شجاع کشور عزیز اسلامی‌مان پایگاه اطلاع‌رسانی هیئت معارف جنگ با مطالب متنوعی مانند خاطرات، ناگفته‌های جنگ، معرفی کتاب‌های مربوط به عملیات‌های دفاع مقدس، اخبار و اطلاعات مرتبط با فعالیت‌های هیئت معارف و... با نشانی زیر تأسیس گردیده و فعالیت می‌نماید.



تکیه کلام شهید:

"مَنْ كَانَ لِلَّهِ كَانَ اللَّهُ لَهُ"

هر که با خدا باشد خدا با اوست